یادداشت

درسوگ اقتصاددان آموزگار

ادامه از صفحه اول

او سردبیری و عضو هیئت تحریریه پژوهش‌نامه اقتصادی، مدیرمسئول ماهنامه حسابدار، عضو هیئت تحریریه پژوهش‌نامه اقتصاد ایران، عضو هیئت تحریریه اطلاعات سیاسی- اقتصادی و عضو هیئت تحریریه فصلنامه رفاه اجتماعی را نیز تجربه کرد. این تجربه متنوع آموزشی و کار، هنرمندانه به خدمت کارویژه اصلی یعنی اقتصاددان آموزگار درآمده بود. شاید در یک دسته‌بندی ساده‌سازی‌شده و مناقشه‌برانگیز بتوان اقتصاددانان ایران را در یکی از دسته‌های اقتصاددانان بوروکرات، اقتصاددانان سیاست‌گذار و اقتصاددانان آموزگار قرار داد. اقتصاددانان بوروکرات، ذخیره دانایی و ظرفیت کارشناسی و تحلیلی نهاد دولت هستند. در اجرای سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به آن یاری می‌رسانند. عموما با درک قواعد بازی در سازمان‌های دولتی صرفا بر تحلیل داده‌ها یا ارزیابی سیاست‌ها متمرکز هستند. به تعبیری در نظام دسترسی محدود- به تعبیر داگلاس نورث- تمایل چندانی به افق‌گشایی اقتصادی و یا تغییر قواعد بازی ندارند. اقتصاددانان سیاست‌گذار برخلاف دسته نخست، در فرایند تدوین سیاست‌های اقتصادی و مشاوره به مقامات و تصمیم‌گیران بلندپایه نقش دارند و تأثیرات مثبت یا منفی دیدگاه‌های آنان را می‌توان بر شرایط اقتصادی و رفاه اجتماعی کشور دید. اما دسته سوم، اقتصاددانان آموزگار هستند. اقتصاددانانی که به تدریس و آموزش نظریات اقتصادی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی مشغول هستند و بر تحقیق، آموزش و ترویج دانش اقتصادی تمرکز دارند. طبعا تأثیر این دسته از اقتصاددانان اگر بیشتر از اقتصاددانان سیاست‌گذار نباشد، از آنان کمتر نخواهد بود. اقتصاددانان آموزگار به دلیل تمرکز بر تربیت نسل‌های جدیدی از اقتصاددانان، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در کیفیت دانش اقتصاد در همه جای جهان ایفا می‌کنند.

دکتر تقوی، یک اقتصاددان آموزگار با توانایی‌های ویژه‌ای در انتقال مفاهیم و ارتباط حرفه‌ای با دانشجویان بود. هنرمندانه قلاب‌های زمخت اقتصاد را بر دل و ذهن دانشجویان اقتصاد می‌نشاند و دانشجویان را با اقتصاد درگیر می‌کرد. برخلاف برخی از مدرسان اقتصاد که صرفا به ارائه نظریات اقتصادی اکتفا می‌کنند، دکتر تقوی مفاهیم اقتصادی را هنرمندانه به مخاطب خود منتقل می‌کرد و جلوه آمار و مدل‌های ریاضی اقتصاد را در زندگی روزمره آنان نشان می‌داد. نمودار رشد اقتصادی و ادوار تجاری اقتصاد ایران را بر روی تخته می‌کشید و می‌پرسید به نظر شما این اعداد سقوط‌کرده رشد اقتصاد و رکود به ما چه چیزی را نشان می‌دهند. با کمی مکث می‌گفت رکود یعنی گسترش فساد، بی‌کاری و فقر. کلاس‌های اقتصاد ریاضی دکتر تقوی نیز مملو از مثال‌های ساده‌شده از مدل‌های ریاضی منطبق بر شرایط روز اقتصاد ایران بود. قطعا سخاوت آموزشی یا تعهد به آموزش نیز در تمایز ایشان در حوزه آموزش علم اقتصاد مؤثر بود. این سخاوت آموزشی در دسترس بودن و آموزش بی‌چشمداشت او جلوه می‌یافت.

دکتر تقوی به قدر وسع خود در توسعه ظرفیت دانایی کشور و توسعه ایران کوشید. استیگلینز توسعه بسیاری از اقتصادهای پیشرفته را مرهون توانایی آنان در ساخت «جامعه‌ای یادگیرنده» می‌داند. در تبیین جامعه‌ای یادگیرنده، او معتقد است کشورهایی به توسعه دست یافتند که توانستند دانش، اطلاعات و تکنولوژی را جذب و بومی‌سازی کنند، از تجارب خود و دیگران بیاموزند و این تجربه یا دانش فراگرفته‌شده را توسعه دهند. در تعبیر داگلاس نورث نیز تغییرات اقتصادی ملت‌ها ناشی از تحولات کیفی جمعیتی، ذخیره دانایی و تغییرات نهادی آنان است. تلاش‌های دکتر تقوی چه در ایجاد یک جامعه یادگیرنده و چه ارتقای ذخیره دانایی کشور ستودنی است. در فقدان منابع مطالعاتی علم اقتصاد در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ و ۷۰، دکتر تقوی با تألیف بیش از ۲۵ کتاب و ترجمه بیش از ۶۰ کتاب و نگارش بیش از ۵۰ مقاله آکادمیک در حوزه‌های اقتصادی، بازارهای مالی و حسابداری نقش مهمی در انتقال دانش اقتصاد و بازارهای ملی در ایران ایفا کردند.

در کنار برجستگی علمی، دکتر تقوی به عنوان اقتصاددان آموزگار، به سلامت نفس، صداقت، رفتار حرفه‌ای و مسئولانه با دانشجویان در میان دانشجویان خود شهره بود. برخلاف معدود مدرسان اقتصاد که از فرصت‌های مدیریتی خود، برای بازنشستگی و حذف اساتید استفاده می‌کنند یا با مداخلات بیرونی در دانشگاه همراهی می‌کنند، او از فرصت‌های محدودش برای بسط دانش اقتصاد بهره می‌جست. فارغ از نوع گرایش اقتصادی، با طیف‌های متنوع اقتصاددانان ایران در ارتباط بود. مناسباتش را با افراد و نهادها مبتنی بر فرصت‌های شغلی یا پروژه‌های تحقیقاتی تنظیم نمی‌کرد. این ویژگی‌ها منشأ احترام همکاران و منبع یادگیری مستمر برای دانشجویان او بود. او در ۷۹سالگی و پس از تحمل یک دوره طولانی بیماری در حالی ایران را از وجود ذی‌قیمت خود محروم کرد که اقتصاد ایران بیش از پیش به چنین اقتصاددانانی نیازمند است.

سیاست انقطاع

ادامه از صفحه اول

همان کاری که اکنون در حال انجام آن هستند و شاید افزایش نزاع‌های مردمی و اتمیزه‌شدن آنان از این سبب باشد که هرکس ناگزیر است گلیمش را خود از آب بیرون بکشد. با ادامه این روند فاصله بین مردم و دولت چنان عمیق شده که سرانجام چیزی جز دولت برای خود و مردمی در خود نخواهد بود. گشودن راه سیاست به سوی مردم، دولت را از ورطه سقوط به مغاک نجات خواهد داد.

۱. «برهوت معنوی جهان: گنوسیسم و فلسفه آلمان پس از جنگ»، نوشته ویلم استایفهالس، ترجمه زانیار ابراهیمی، انتشارات روزگار نو

خبر

نمایش فیلم‌تئاتر «همیلتون» در سینماتک خانه هنرمندان ایران

فیلم‌تئاتر «همیلتون» به کارگردانی توماس کیل در سینماتک خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آید و پس از آن، نقد و بررسی می‌شود. سیزدهمین برنامه از سلسله جلسات نمایش فیلم‌تئاترهای شاخص، با همکاری مشترک انجمن صنفی منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران خانه تئاتر و سینماتک خانه هنرمندان ایران به نمایش فیلم‌تئاتر «همیلتون» اختصاص دارد. فیلم‌تئاتر «همیلتون» (محصول ۲۰۲۰ آمریکا/ ۱۶۰ دقیقه) به کارگردانی توماس کیل و نویسندگی و تهیه‌کنندگی لین-منوئل میرندا، چهارشنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۳ ساعت ۱۷ در سینماتک خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آید. پس از نمایش این فیلم‌تئاتر، نشست نقد و بررسی برگزار می‌شود. داوید دیگز، رنی الیس گولدزبری، جاناتان گروف، کریستوفر جکسون، جزمین سیفس جونز، لین منوئل میرندا، لزلی اودوم جونیور، اوک اونائودووان، آنتونی راموس و فیلیپا سو بازیگرانی هستند که در این فیلم‌تئاتر به ایفای نقش پرداختند. «همیلتون» نام فیلم موزیکال برگرفته از نمایش برادوی با همین نام و ساخته شرکت دیزنی‌پلاس است. این نمایش بر اساس کتاب زندگی‌نامه الکساندر همیلتون از پدران بنیان‌گذار ایالات متحده آمریکا ساخته شده و به شرح زندگی او می‌پردازد. فیلم با دوئل بر همیلتون و مرگ الکساندر همیلتون به پایان می‌رسد.

نگاهی به فعالیت رسانه ملی در سریال‌سازی و فعالیت در بستر پلتفرم «تلوبیون»

رقابتی در کار نیست

بهناز شیربانی

سال‌ها پیش رسانه ملی یکی از مراکز اصلی و پرقدرت سریال‌سازی محسوب می‌شد. وقتی بسیاری از کارگردان‌هایی که این روزها در سینما و شبکه نمایش خانگی فعالیت می‌کنند، برای تلویزیون سریال می‌ساختند و اغلب، مخاطبان بسیاری داشتند و بینندگان پیگیر این مدیوم در ایام خاصی از سال، مثل عید نوروز، ماه محرم یا ماه رمضان منتظر سریال‌های مناسبتی می‌ماندند. چند سالی است که تلویزیون برای مخاطبانش غافلگیری خاصی ندارد. با رونق‌گرفتن شبکه نمایش خانگی و دست‌کم برای عبور از خطوط قرمز محدودکننده تلویزیون، بسیاری از کارگردان‌های حوزه سریال‌سازی ترجیح دادند در مدیومی دیگر فعالیت کنند و از این نظر دایره هنرمندان حاضر در رسانه ملی محدودتر شد. از طرف دیگر عادت مخاطب سریال‌بین نیز تغییر کرد. درحال‌حاضر شبکه نمایش خانگی و سریال‌های متنوعی که تولید می‌کند، یکی از مراجع اصلی سرگرمی مخاطبی است که تماشای سریال را ترجیح می‌دهد؛ اما دراین‌بین تلویزیون نیز تلاش زیادی برای بالابردن کیفیت سریال‌های تولیدی انجام نمی‌دهد. اغلب سریال‌هایی که به‌تازگی شاهد هستیم، ادامه فصل‌های پیش‌شان هستند. مجموعه «زیرخاکی» به کارگردانی جلیل سامان از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳ در چهار فصل تولید شد. تلاش تلویزیون در برندسازی در مجموعه‌هایی که چند فصل تولید شدند، یکی از راهکارها در جلب رضایت مخاطبانش است. سریال‌هایی که عموما در یک یا دو فصل نتیجه مقبولی در ارتباط‌گرفتن با مخاطب داشته‌اند و براساس‌این، تولید ادامه‌دار آنها توجیه‌پذیر بوده است، اما با مرور سریال‌هایی از این دست، می‌توان تولید اغلب آنها را در طولانی‌مدت شکست‌خورده توصیف کرد. چنانچه فصل چهارم مجموعه «زیرخاکی» به نظر کارشناسان رسانه به نسبت فصول قبل، کیفیت پایین‌تری دارد. یا مجموعه «نون خ» به کارگردانی سعید آقاخانی که از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ در پنج فصل ساخته شد و مخاطبان زیادی را با خود همراه کرد و فصل پنجم این سریال که به‌تازگی پخش شد، نتوانست آن‌طورکه باید، توقع مخاطبانش را برآورده کند. این در حالی است که تلویزیون ساخت فصل جدید سریال «پایتخت» را که همواره برگ برنده رسانه ملی محسوب می‌شود، در دستور کار قرار داده است. سریالی که شش فصل از شبکه یک سیما پخش شد و می‌توان گفت قصه این سریال و بازیگرانش محبوبیت بیشتری میان مخاطبان رسانه ملی دارند و باید دید پس از وقفه‌ای نسبتا طولانی در ساخت سری جدید، «پایتخت» می‌تواند موفقیت گذشته‌اش را تکرار کند یا خیر؟

رقابتی بین تولیدات تلویزیون وجود دارد؟

پیمان جبلی، رئیس سازمان، مدتی قبل در جمع خبرنگاران اظهار کرد: «آمار درخورتوجه و امیدبخشی از استقبال مخاطبان از برنامه‌های رسانه ملی داشتیم که در هفته اول نوروز امسال در قیاس با برنامه‌های سال قبل همین بازه زمانی حدود هشت درصد افزایش مخاطب را ثبت کرد. علاوه‌براین، استقبال از برنامه‌های صداوسیما در فضای مجازی هم درخورتوجه است. برنامه یکی از شبکه‌های اصلی ما در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها حدود ۸۰ میلیون بازدید داشت که نشان می‌دهد باید به استقبال مخاطبان در بسترهای مختلف توجه کرد. برای تابستان امسال هم بخش‌های مختلف صداوسیما و حوزه سیاسی، ساختارهای «سیمرغ» و «سیمافیلم» در حال برنامه‌ریزی هستند. دست ما از تولیدات نمایشی پر است و تا آخر سال ۱۴۰۳ جدول پخش مجموعه‌های نمایشی ما تقریبا تکمیل شده است و اکنون برای نوروز و ماه رمضان سال آینده برنامه‌ریزی می‌کنیم». طبق گفته رئیس رسانه ملی، در چند ماه آینده مجموعه‌های تلویزیونی جدیدی روی آنتن خواهد بود. تولیدنشدن سریال‌های متنوع و محدودیت در ساخت این آثار و تلاش برای گرفتن مجوز ساخت، یکی از نقدهایی است که کارشناسان حوزه رسانه، در سال‌های اخیر به عملکرد تلویزیون وارد می‌دانند. به نظر آنها به یقین رسانه ملی در تولید حجم زیادی از آثار نمایشی و رقابت این مجموعه‌ها با یکدیگر در جلب مخاطب می‌تواند نتیجه رضایت‌بخشی بگیرد. حال آنکه در سال‌های اخیر این مورد در تبیین سیاست‌های رسانه ملی تا حد زیادی نادیده گرفته شده است.

بستری برای دیده‌شدن بیشتر فعالیت‌های صداوسیما

اما دراین‌بین می‌توان نگاهی به جنبه دیگری از فعالیت‌های رسانه ملی داشت. «تلوبیون» سرویس ایرانی وی‌اودی و خدمات رسانه‌ای بر فراز اینترنت، پخش زنده و آرشیو برنامه‌های ۶۰ کانال تلویزیونی و رادیویی سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران است. رسانه‌ای که در اواخر سال ۱۳۹۲ راه‌اندازی شد. در زمان مدیریت محمد سرافراز فعالیت‌های بیشتری داشت و از زمان مدیریت علی‌عسگری در بین مخاطبان فراگیرتر شد. به‌تازگی نیز تلوبیون سرویس «تلوبیون پلاس» را به برنامه‌های خود اضافه کرده است که بدون هزینه خرید اشتراک، فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی و خارجی را با دوبله فارسی اکران و پخش می‌کند. دو سال پیش بود که روزنامه «خراسان» در گزارشی از عملکرد تلوبیون پلاس نوشت و اشاره کرد که اکثر یا همه فیلم‌ها و سریال‌های خارجی پلتفرم تلوبیون با دوبله اختصاصی عرضه شده‌اند. این در حالی است که متمول‌ترین وی‌اودی‌های بازار فیلم و سریال اینترنتی، بسیاری از محصولات را با زیرنویس منتشر می‌کنند و امکان دوبله همه محصولات را ندارند و این پرسش را مطرح کرد که آیا تلوبیون پلاس برای این حجم از دوبله‌های اختصاصی محصولات روز، از امکانات متعلق به سازمان صداوسیما مثل واحد دوبلاژ سیما استفاده می‌کند یا نه؟ در چند سال اخیر بارها شنیده شده که صداوسیما تلوبیون پلاس را به‌عنوان رقیب پلتفرم‌های وی‌اودی‌ها معرفی کرده است. این در حالی است که تاکنون این پلتفرم‌ها تولید اختصاصی نداشته و تنها یک بار پخش اختصاصی یک سریال ۱۳ قسمتی به نام «جناب‌عالی» به کارگردانی عادل تبریزی و به تهیه‌کنندگی مصطفی رضوانی را برعهده داشته و نمی‌توان تا به اینجا از آن به‌عنوان یک رسانه مستقل نام برد و «تلوبیون» همچنان نقش آرشیو رسانه ملی را ایفا می‌کند. شیوه پخش سریال تاریخی و بحث‌برانگیز «سرزمین مادری» بار دیگر نگاه‌ها را متوجه فعالیت «تلوبیون» کرد؛ سریالی که پس از سال‌ها توقیف امکان نمایش پیدا کرد و «تلوبیون» تنها بستر امن برای تلویزیون محسوب می‌شد که امکان پخش این مجموعه ابتدا در آنجا فراهم شد و بعد به آنتن سیما رسید. این در حالی است که در سال‌های گذشته با فراگیرشدن پلتفرم‌ها و جذب مخاطب بیشتر و تولید و عرضه فیلم‌ها و سریال‌های متنوع، چالش بین صداوسیما و پلتفرم‌ها شکل و شمایل متفاوتی پیدا کرده است.

نکته درخورتوجه اینکه پیش‌ازاین مسئولان سیما آخرین راه‌حل پخش دو سریال بحث‌برانگیز رسانه ملی، «سرزمین مادری» به کارگردانی کمال تبریزی و «۸۷ متر» ساخته کیانوش عیاری را در به توافق رسیدن با پلتفرم‌ها می‌دانستند! با رفع توقیف مجموعه «سرزمین کهن»، حالا سرنوشت سریال «۸۷ متر» کیانوش عیاری پرابهام است. فیلم‌نامه سریال «۸۷ متر» سال ۸۹ تصویب شد و گروه از فروردین ۹۶ رسما پیش‌تولید ساخت سریال را آغاز کرد و نهایتا ۱۵ مرداد تصویربرداری آغاز شد و دی‌ماه ۹۹ پروژه پرچالش کیانوش عیاری با تمام حواشی و تعطیلی گاه‌وبی‌گاه و مشکلات بودجه‌ای به اتمام رسید. درحالی‌که بسیاری از بینندگان تلویزیون پخش سریال «۸۷ متر» به کارگردانی کیانوش عیاری را در سال ۱۴۰۰ انتظار می‌کشیدند، در نهایت این سریال در جدول پخش برنامه‌های تلویزیونی آن سال قرار نگرفت و پخش به سال بعد موکول شد، اما سال ۱۴۰۱ هم خبری از پخش این مجموعه نشد. سریالی که چند باری پخش آن نیز رسانه‌ای شد و به نظر می‌رسید این پروژه به‌زودی روی آنتن خواهد رفت، اما هنوز هم تاریخ دقیقی از سمت تلویزیون درباره زمان پخش آن مشخص نشده است و به گفته کارگردانش «باید زمان بگذرد. بتوانم مثل یک تماشاگر عادی فیلم را ببینم، آن موقع می‌توانم درباره کم‌وکیف آن صحبت کنم». سال گذشته مهدی نقویان، رئیس سیمافیلم، اعلام کرد که سریال «۸۷ متر» قرار است در یکی از پلتفرم‌ها به پخش برسد اما در این مدت هیچ خبری از پخش سریال در پلتفرم‌ها مطرح نشد. اما به‌تازگی کیانوش عیاری در گفت‌وگو با برنامه «استودیو هشت» شبکه رادیویی نمایش اعلام کرد که سریال تلویزیونی «۸۷ متر» از شبکه یک سیما روی آنتن خواهد رفت و به نظر می‌رسد تا به اینجا تکلیف پخش این سریال از آنتن سیما قطعی شده است.

تا اطلاع ثانوی «پلی‌بک» ممنوع است!

سهیل کیانی

در سال ۷۷، صداوسیما به مقتضای تغییرات چشمگیر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جامعه، تحولی آشکار نشان می‌داد، صدای برخی خوانندگان جوان در میلاد دوباره موسیقی پاپ ایرانی، به ملودی زندگی جوانانی تبدیل شده بود که روشن و امیدوار به «روزهای خوب» که قرار بود بیاید، چشم دوخته بودند؛ خشایار اعتمادی، شادمهر عقیلی، قاسم افشار، حسین زمان، محمد اصفهانی، علیرضا عصار و... . کمترکسی از متولدین اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ هست که نوای ساکسوفون فواد حجازی روی ترنم اشعار مولانا با صدای خاص، مقتدر و مسلط عصار را در ترانه «عیدانه» به یاد نداشته باشد؛ همان ترانه‌ای که در سال‌های ۷۷ و ۷۸ به‌طور متناوب از رادیو و تلویزیون پخش می‌شد و سبکی نو از آهنگ‌سازی و آوازخوانی را به مخاطبان معرفی می‌کرد. یا دوئت حماسی «قدسیان کاروان» با همراهی محمد اصفهانی در دوران اوج، با نمایش دف و آلات موسیقی و گروه کر، خود به یکی از نمودها و نمادهای تغییرات مدیریتی در صداوسیمای آن دوره تبدیل شد. جنس کار عصار در بین پاپ‌خوان‌های شهرت‌یافته آن دوره نیز خاص و اختصاصی خودش بود؛ چنان‌که کسانی که چندان با موسیقی دنیا و سبک کار آوازخوانان بزرگی همچون باب دیلن، لئونارد کوهن و جوان بائز آشنایی نداشتند، عصار را به دکلمه‌خوانی متهم می‌کردند! بااین‌حال، عصار که موسیقی را تئوریک و روی اسلوب و اساس فرا گرفته بود، بر مشی و روش موسیقی و خوانندگی خود باقی ماند و تا همین امروز، طرفداران و هواخواهان خاص و البته پیگیر و پشتیبان خود را دارد. عصار تبدیل به نمادی از یک آرتیست کاربلد، فرهیخته، صاحب‌سبک و البته با اعتمادبه‌نفس شد که امضای خاص خود را در موسیقی دارد و گزیده‌کار، آهسته و پیوسته، سطح کیفی آثار خود را حفظ کرده است. در زمینه مخاطب هم، تا همین امروز، با وجود گسترش چشمگیر صنعت موسیقی در کشور ما (کمی و کیفی) و برآمدن رقبایی تازه‌نفس و جاه‌طلب و جوان‌تر، کنسرت‌های علیرضا عصار پرمخاطب و پرطرفدار است. همه این توضیحات (بعضا توضیح واضحات)، از این‌رو ذکر شد که بگوییم نام یا بهتر است بگوییم «برند» علیرضا عصار در ذهن مخاطب موسیقی ایرانی، مرادف و معادل یک شخصیت آرتیستیک باوقار، با موسیقی خاص و شخصی و باکیفیت و البته یک «سلیقه» هنری فرهیخته است. ازاین‌رو، وقتی نام عصار به‌عنوان مجری یک برنامه موسیقی‌محور در شبکه نمایش خانگی مطرح شد، حداقل استنباط نزد شنونده این بود که با برنامه‌ای مواجه خواهد شد که علاوه بر اینکه ارزش تماشا دارد، به واسطه همان سبک متمایز کاری و شخصیتی علیرضا عصار، با دیگر برنامه‌های ساخته‌شده با محور موسیقی (که کم هم نیستند) متفاوت خواهد بود. ایده برنامه البته ابدا بدیع نیست و چنان‌که خود عصار، با صداقت و صراحت، در ابتدای برنامه شرح داد، شبیه این برنامه پیش‌تر در شبکه‌های معروف دنیا ساخته شده که باز چنان‌که خود عصار می‌گوید، معروف‌ترین نمونه آن برنامه مشهور «موسیقی با جولز هالند» در شبکه بی‌بی‌سی جهانی است. بااین‌حال، برنامه‌ای با تمرکز بر «دیدن و شنیدن موسیقی»، اولین بار با این شکل و شمایل در پلتفرم‌های ایرانی ساخته می‌شود. شوهای موسیقی‌محور، چه در صداوسیما و چه در شبکه نمایش خانگی، عمدتا بر دایره «استعدادیابی» یا «پخش آهنگ درخواستی» می‌گردند و «دیدن و شنیدن موسیقی» با مزاحمت حداقلی حرف و سخن و حاشیه‌روی، یک فرصت مغتنم است. از قضا باید اذعان کرد که برنامه‌های ترکیبی، چه در شبکه‌های مختلف سیما و چه در پلتفرم‌ها، دچار یک نوع «پرحرفی» و «پرچانگی» مزمن شده‌اند. به عبارت دیگر، این «گپ‌وگفت»های عمدتا بدون طراحی، بداهه و تکرار مکررات حاصل از سؤالات کلیشه‌ای و تم‌های دستمالی‌شده، خود به معضلی سر راه جذابیت تبدیل شده است.

در این میان، ساخت و پخش برنامه‌ای که قصد دارد مستقیم و سرراست سراغ هدف اصلی خود، «دیدن و شنیدن موسیقی» برود و «لذت از موسیقی» را با مخاطبان خود به اشتراک بگذارد، تجربه‌ای است که دست‌کم به انجامش می‌ارزد. خوبی آن، این است که خود عصار از نظر شخصیتی خیلی اهل این پرحرفی‌ها و کلیشه‌بازی‌ها نیست. این موضوع را از همان گفت‌وگوهای نه‌چندان مطولی که در بین اجراها بین او و آرمان گرشاسبی انجام می‌شود، می‌توان دریافت. او به جای سؤال‌های تکراری همیشگی، صرفا با یک توضیح اجمالی درباره سوابق و مصادیق جداشدن یک ستاره از یک گروه موفق موسیقی، از او می‌خواهد درباره دلایل جداشدنش از پروژه موفق «چارتار» توضیح دهد. یا نحوه صمیمی به اشتراک گذاشتن تجربه احساسی ساخت آهنگ و ترانه برای شریک زندگی میان دو خواننده حرفه‌ای از دو نسل، گرچه از جنس گفت‌وگو است، اما کاملا با همان هدف «دیدن و شنیدن موسیقی» هم‌بسته و مکمل است. یکی از بهترین محسنات و امتیازات «کنسرتینو»، این است که پدیده‌ای به نام «پلی‌بک» در آن جایی ندارد. به نظر می‌رسد که عصار، به‌عنوان یک موسیقی‌دان پایبند به اصول حرفه‌ای و با پرنسیب، حاضر به مصالحه و مسامحه در این زمینه‌ها نیست و چه خوب که نیست! در واقع با شعار «پلی‌بک ممنوع»، استیج کنسرتینو خود تبدیل به یک «عیار» در نمایش مهارت، تسلط و حرفه‌ای‌گری گروه‌ها و خوانندگان در اجرای بدون «دوپینگ» می‌شود. از اتفاق، در قسمت نخست، اجراکنندگان دو استیج دو و سه، یعنی گروه «اوهام» و «آرمان گرشاسبی»، خود به مصداق این محک و مقایسه تبدیل شدند. تردیدی نیست که گروه «اوهام» زمانی که در اواخر دهه ۷۰ به عرضه موسیقی خود پرداخت، موفق شد مفهومی به نام «موسیقی تلفیقی» را که تا پیش از آن یک امر نخبگانی بود، برای مخاطب عام‌تر موسیقی معرفی کند. قطعاتی همچون «درویش»، «آلوده» و «در کوی مغان»، بی‌تردید به بخشی از خاطرات حافظه موسیقایی یک نسل تبدیل شدند. بااین‌حال، اجرای «اوهام» که اعضای آن بعد از سال‌ها دوباره در کنار هم قرار گرفتند و نواختن معروف‌ترین آهنگ این گروه یعنی «درویش»، به‌خصوص از نظر تنظیم و وکال دارای ضعف‌های نسبتا مشهودی بود. در نقطه مقابل، آرمان گرشاسبی نشان داد علاوه بر بهره‌داشتن از حنجره‌ای پخته و مهارت در تکنیک‌های تحریر و آواز، در اجرای غیراستودیویی هم مسلط است. تنظیم آهنگ‌های اجراشده توسط او هم تنظیم حرفه‌ای‌تر و گوش‌نوازتری بود. این مقام مقایسه، حاصل پایبندی به اصول حرفه‌ای توسط عوامل برنامه و جلوگیری از دستکاری در روح اجرای زنده است. در واقع، قرار است چهره‌ها و گروه‌های مشهور مارکت موسیقی ایرانی، با داشته‌های واقعی خود روی استیج «کنسرتینو» حاضر شوند تا مخاطبان خاص‌تر این برنامه (که قطعا تفاوت‌هایی با مخاطبان برنامه‌های استعدادیابی موسیقی و امثال آن دارند)، فرصت ارزیابی شخصی از عیار هنری گروه‌های مختلف داشته باشند. اما نقطه اوج «کنسرتینو»، به باور نگارنده، بخش معرفی استعداد آوازی جوان برنامه و هم‌خوانی او با مجری برنامه است. دخترخانم نوجوان، حنانه فدوی، این فرصت را پیدا کرد که از طریق هم‌خوانی با یکی از چهره‌های نامدار و کهنه‌کار موسیقی پاپ، هنر خود را با مخاطبی گسترده به اشتراک بگذارد.

نگاه

«مست عشق» و تجربه تکرار موفقیت فیلم‌های غیرکمدی

شرق: خیلی دور از ذهن نیست که پیش‌بینی اغلب کارشناسان سینما، یکه‌تازی سینمای کمدی در وانفسای به حاشیه رانده‌شدن سینمای اجتماعی است. آمار و ارقام فروش گیشه سینماها دست‌کم طی سال‌های اخیر، مسیر روشنی را برای سینماگرانی که خواهان رسیدن به صدر لیست فروش سینماها هستند، مشخص کرده است. سال گذشته سینمای ایران به یاری دو، سه فیلم کمدی پرفروش به مسیرش ادامه داد. فیلم‌هایی که بسیاری آنها را ناجی سینماها توصیف کردند و فارغ از نقدهایی که به کیفیت پایین فیلم‌نامه‌های آنها اشاره می‌کرد، اما در نهایت در ارتباط‌گرفتن با مخاطب موفق عمل کردند. از این جهت بر کسی پوشیده نبود که در سال ۱۴۰۳ نیز در بر همین پاشنه خواهد چرخید. فیلم‌های کمدی یکی پس از دیگری از راه خواهند رسید و گیشه سینماها را فتح خواهند کرد. در این میان اقبال مخاطب به فیلم سینمایی «بی‌بدن» که مضمون تلخی را به تصویر کشیده، پیش‌بینی‌ناپذیر بود و امیدواری را نسبت به فروش فیلم‌های اجتماعی در گیشه ایجاد کرد. اما قطعا «مست عشق» ساخته حسن فتحی را می‌توان غافلگیری بزرگ اکران تا به اینجا توصیف کرد. ساخت فیلمی درباره شمس و مولانا اساسا کار دشواری است. فیلمی که در مدت زمانی محدود باید چکیده‌ای از دریای عمیق عرفان دو شخصیت که ابعاد جهانی دارند را به تصویر بکشد. از این جهت تصویرکردن این دو شخصیت در سینما به خودی خود جذاب و غافلگیرکننده است. فرهاد توحیدی که سابقه‌ای طولانی و درخشان در حوزه فیلم‌نامه‌نویسی دارد، مقطع جذابی از زندگی مولانا را برای روایت قصه انتخاب کرده است. لحظه رویارویی شمس و مولانا و هم‌مسیرشدن آنها یکی از نقاط عطف زندگی مولاناست. قصه‌ای که با وسواس توسط حسن فتحی و فرهاد توحیدی انتخاب و نگارش شد و حاصل همفکری با مولوی‌شناسان زبده است. یکی از نکات برجسته این فیلم سینمایی استفاده از عنصر عشق به عنوان تم اصلی فیلم است که به زیبایی در تمام مدت‌زمان روایت اثر شاهدش هستیم و البته هدایت درست و دقیق حسن فتحی در کارگردانی باعث شده تا بازی‌های یکدستی از تمام بازیگران این فیلم شاهد باشیم. فتحی در انتخاب بازیگرانش با ظرافت عمل کرده و ترکیب بازیگران ایرانی و ترک از پارسا پیروزفر و شهاب حسینی تا هانده ارچل، بنسو سورال و ابراهیم چلیک‌کول باعث شد تا اقبال بیشتری از مخاطبان را در اکران این فیلم سینمایی شاهد باشیم. «مست عشق» پس از گذشت هفته‌ها از اکرانش همچنان مورد توجه مخاطبان سینماست و به نظر می‌رسد با فروش بالای فیلم در گیشه می‌توان همچنان امیدار بود که مخاطب از فیلم خوب در سینما استقبال می‌کند و سینمای ایران می‌تواند تنها به فروش کمدی‌هایش متکی نباشد.

خبر

برگزاری نمایشگاه عکس و ویدئو آرتِ سحاب زری‌باف

«داریوش مهرجویی، کابوس‌ها و رؤیاها» عنوان نمایشگاه سحاب زری‌باف است که از ۱۸ تا ۲۵خرداد در گالری آریانا برپا می‌شود.

زری‌باف که به‌عنوان عکاس فیلم، تجربه همکاری با زنده‌یاد داریوش مهرجویی را در فیلم سینمایی «اشباح» داشته است، مجموعه‌ای از حضور داریوش مهرجویی در پشت صحنه این فیلم سینمایی و پرتره‌های شخصی این کارگردان فقید را در قالب عکس و ویدئوآرت در گالری آریانا به معرض نمایش خواهد گذاشت.

سحاب زری‌باف تاکنون در بیش از ۳۵ اثر سینمایی همچون «خورشید»، «اشباح»، «شب، داخلی، دیوار» و... به‌عنوان عکاس فیلم حضور داشته است. همه عواید حاصل از فروش آثار، صرف حمایت از کودکان مبتلا به سرطان توسط مؤسسه محک خواهد شد.